

۱۱ تیر ۱۳۹۷ - شماره: ۹۶

مقاله‌ها

پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

سازمان الهی و سازمان شیطانی؛
تشکیلات و اهداف

نویسنده مقاله:

مهدی رضوی

توجه: دیدگاه درج شده دیدگاه ارسالی توسط یکی از کاربران است و لزوماً دیدگاه این دفتر محسوب نمی‌شود.

بسم الله الرحمن الرحيم



سازمان الهی و سازمان شییطانی؛ تشکیلات و اهداف

مهدی رضوی

یک مدیر کسی است که مجموعه‌ای از افراد را که یک سازمان نامیده می‌شود، اداره می‌کند و یک رهبر کسی است که به دلیل داشتن کاریزما یا فرهنگ‌ی^۱، دارای قدرت نفوذ در دیگران بوده و به دلیل داشتن جاذبه و دافعه سبب حرکت و فعالیت خودجوش در پیروان می‌شود. یک مدیر یا یک رهبر به دلیل داشتن خصوصیات و ویژگی‌های ذاتی و اکتسابی می‌تواند سازمان تحت پوشش خود را هدایت و رهبری نماید. سازمان‌ها دارای انواع مختلفی هستند که محققان رشته‌های سازمان و مدیریت در مورد آن به یافته‌های زیادی رسیده‌اند^۲. وظیفه‌ی اصلی مدیران و رهبران هم برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت، هماهنگی، نظارت و کنترل می‌باشد^۳.

از زمان آفرینش حضرت آدم علیه السلام تا کنون دو سازمان در زمین وجود داشته است؛ سازمان اول حول خلیفه‌ی خداوند در هر زمان شکل گرفته است؛ همان خلیفه‌ای که خداوند همواره در زمین قرار داده و درباره‌ی آن فرموده است: ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ (بقره / ۳۰)؛ «و چون پروردگار تو

۱. کاریزما در لغت به معنی جذابیت غیرعادی و دارا بودن صفات‌های ویژه و ممتاز و منحصر به فردی است که مورد پسند و ستایش تعداد زیادی از دیگر انسان‌هاست. جاذبه‌ای فردی که اثری اجتماعی دارد.

۲. هارولد کونتز و همکاران، اصول مدیریت

۳. علی رضاییان، اصول مدیریت

به فرشتگان گفت من در زمین جانشینی خواهم گماشت» و سازمان دوم زیر مجموعه‌ی ابلیس رانده شده است که به دلیل تکبر و سرکشی از درگاه الهی اخراج گردید.

همواره در طول تاریخ بین این دو سازمان جنگ و نزاع بوده است؛ یکی نماد نور بوده و دیگری نماد ظلمت، یکی نماد حق بوده و دیگری نماد باطل. اما این صف‌آرایی از تقابل آدم و همسرش با ابلیس و تنازع هابیل با قابیل آغاز شده و همواره در طول تاریخ ادامه داشته است. در جبهه‌ی حق همواره پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان حضور داشته‌اند و در جبهه‌ی باطل، شیاطین و طواغیت و مشرکان و کافران و منافقان و ظالمان و فاسقان قرار داشته‌اند. این جنگ گاه در تقابل ابراهیم علیه السلام با نمرودیان، گاه در تقابل موسی علیه السلام با فرعونیان، گاه در تقابل عیسی علیه السلام با عالمان فاسد بنی اسرائیل، گاه در تقابل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با مشرکان و گاه در تقابل خلفای برحق آن حضرت با حاکمان ظالم تجلی می‌کند و این همان چیزی است که امروز نیز در جریان است.

سازمان الهی بر بنیاد هدایتی از جانب خداوند شکل گرفته؛ چنانکه فرموده است: ﴿فَأَمَّا يَا أَيُّكُمْ مَنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى﴾ (طه / ۱۲۳)؛ «پس هر گاه هدایتی از جانب من برای شما آمد، هر کس از هدایت من پیروی کند، نه گمراه و نه شقی می‌شود» و سازمان شیطانی بر بنیاد خصومت و دشمنی آشکار شیطان با بنی آدم شکل گرفته؛ چنانکه فرموده است: ﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾ (یوسف / ۵)؛ «همانا شیطان برای انسان دشمنی آشکار است»^۱. وانگهی در نگاه حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی «دشمنی شیطان با انسان، یک دشمنی نمادین و غیر واقعی نیست و به وسوسه کردن او برای انجام کارهای زشت فردی محدود نمی‌شود، بل یک دشمنی عینی و تمام‌عیار است که شئون مختلف اجتماعی را در بر می‌گیرد و به سوی اهداف پلید او جهت می‌دهد.» (بازگشت به اسلام، ص ۱۳۴ و ۱۳۵)

امروز رهبری جریان حق را آخرین جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یعنی امام مهدی علیه السلام بر عهده دارد و رهبری جریان باطل بر عهده‌ی شیطان است. شیطان به عنوان اسم عام بر هر موجودی که دیگران را فریب دهد و اغوا کند و یا اینکه حق و باطل را به هم آمیخته نموده و به نام حق عرضه کند و یا به هر موجود شرور اطلاق می‌شود. شیطان می‌تواند از بین جنیان یا انسان‌ها باشد؛ چنانکه خداوند بزرگ فرموده است: ﴿مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ﴾ (ناس / ۶)؛ «چه از جن و چه از انس». شیطان سفیه‌ترین در بین جنیان است و بر خداوند بزرگ سخنانی بیهوده می‌بافد؛ چنانکه خداوند بزرگ می‌فرماید: ﴿وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا﴾ (جن / ۴)؛ «و [شگفت] آنکه کم خرد ما در باره خدا سخنانی یاوه می‌سراید!»

هر دو سازمان ساختار و تشکیلات خاص خود را دارند و دارای برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت،

۱. برای نشان دادن دشمنی شیطان با انسان از واژه عداوت استفاده شده است. عداوت به معنی نوعی دشمنی است که به مرحله عمل و اجرا درآمده است که بالاترین حد دشمنی است در حالی که خصومت نوعی دشمنی است که هنوز به مرحله عمل نرسیده است.

هماهنگی، نظارت و کنترل هستند. ما نخست به بررسی مؤلفه‌ها، راهبردها، رویکردها و اهداف حزب شیطان می‌پردازیم:

۱. حزب شیطان به دنبال دور کردن انسان‌ها از راه حق است؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَلَا يَصُدُّكُمْ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ (زخرف / ۶۲)؛ «و مبادا شیطان شما را از راه به در برد؛ زیرا او برای شما دشمنی آشکار است.»

۲. حزب شیطان، با ایجاد حسادت و القاء عداوت میان انسان‌ها، روابط آن‌ها با یکدیگر را خدشه‌دار می‌کند؛ چنانکه خداوند بزرگ از حسادت برادران یوسف یاد کرده و فرموده است: ﴿قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ (یوسف / ۵)؛ «[یعقوب] گفت ای پسرک من خوابت را برای برادرانت حکایت مکن که برای تو نیرنگی می‌اندیشند؛ زیرا شیطان برای آدمی دشمنی آشکار است.» و نیز فرموده است: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ ۖ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ﴾ (مائده / ۹۱)؛ «شیطان می‌خواهد به وسیله‌ی شراب و قمار در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد. آیا دست خواهید کشید؟» از همین روست که خداوند، مؤمنان را از دنبال کردن قدم‌های شیطان نهی کرده و فرموده است: ﴿وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ (انعام / ۱۴۲)؛ «و از پی گام‌های شیطان مروید که او برای شما دشمنی آشکار است.»

۳. حزب شیطان اهمیت ویژه‌ای برای دودمان و نسل شیطان قائل است؛ چراکه شیطان دارای ذریه و فرزندی است و با کمک آن‌ها به دشمنی با مؤمنان می‌پردازد. همچنانکه به این موضوع اشاره کرده و فرموده است: ﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا﴾ (کهف / ۵۰)؛ «و [یاد کن] هنگامی را که به فرشتگان گفتیم آدم را سجد کن پس [همه] جز ابلیس سجده کردند که از [گروه] جن بود و از فرمان پروردگارش سرپیچید آیا [با این حال] او و نسلش را به جای من دوستان خود می‌گیرید و حال آنکه آن‌ها دشمن شمایند و چه بد جایگزینی برای ستمگرانند.»

۴. یکی از برنامه‌های شیطان و حزبش، فریب دادن مؤمنان و مخلوط کردن حق و باطل و ایجاد شبهه است. شیطان بر این کار نظارت و کنترل دارد؛ چنانکه خداوند درباره‌ی فریب آدم و حوا توسط شیطان می‌فرماید: ﴿وَقَاَسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمَنِ النَّاصِحِينَ فَذَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ﴾ (اعراف / ۲۱ و ۲۲)؛ «و برای آن‌ها سوگند یاد کرد که من برای شما از خیرخواهانم؛ پس [به این ترتیب] آن دو را با فریب به سقوط کشانید». او و سازمانش با وسوسه و به شکل نهانی انسان‌ها را قربانی می‌کنند و به بیراهه می‌کشانند؛ چنانکه خداوند بزرگ می‌فرماید: ﴿مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ﴾ (ناس / ۴ و ۵)؛ «از شر وسوسه‌گر نهانی آن کس که در سینه‌های مردم وسوسه می‌کند.»

۵. شیطان از طریق ایجاد فتنه برای مؤمنان مشکلات و سختی‌هایی ایجاد می‌کند. او دارای قبیله است و با کمک آن‌ها از جایی که دیده نمی‌شوند بر انسان‌ها اشراف دارند؛ چنانکه خداوند بزرگ فرموده است: ﴿إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ (اعراف / ۲۷)؛ «هر آینه او و قبیله‌اش شما را از آنجا که آن‌ها را نمی‌بینید می‌بینند؛ ما شیاطین را دوستان کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند.»

۶. شیطان حزب خود را با نافرمانی و استکبار در برابر خداوند متعال آغاز کرد؛ همچنانکه فرموده است: ﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾ (بقره / ۳۴)؛ «و چون فرشتگان را فرمودیم برای آدم سجده کنید پس بجز ابلیس که سر باز زد و کبر ورزید و از کافران شد [همه] به سجده درافتادند.» بر همین اساس، مبنای فکری و رویه‌ی عملی حزب او معصیت و طغیان در برابر الله جلّ جلاله و تقابل همه جانبه با حزب الهی است.

۷. شیطان و حزتش مردمان را تحریک و در اموال و اولاد با آن‌ها مشارکت می‌کند و آن‌ها را با وعده‌های خویش در زندگی دنیا فریب می‌دهد؛ چنانکه خداوند بزرگ فرموده است: ﴿وَاسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتَعْطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكْهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدْتَهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا﴾ (اسراء / ۶۴)؛ «و از ایشان هر که را توانستی با آوای خود تحریک کن و با سواران و پیادگان بر آن‌ها بتاز و با آنان در اموال و اولاد شرکت کن و به ایشان وعده بده و شیطان جز فریب به آن‌ها وعده نمی‌دهد.» با این حال، او بر مخلصان و مؤمنان راستین تسلطی ندارد، بلکه تسلطش بر کسانی است که در آخرت شک دارند و شیطان را به دوستی می‌گیرند؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا لِيَعْلَمَ مَنْ يُوْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ وَرَبُّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِیظٌ﴾ (سبا / ۲۱)؛ «و [شیطان] را بر آنان تسلطی نبود جز آنکه کسی را که به آخرت ایمان دارد از کسی که درباره آن در تردید است باز شناسیم و پروردگار تو بر هر چیزی نگاهبان است» و فرموده است: ﴿إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ﴾ (نحل / ۱۰۰)؛ «تسلط او تنها بر کسانی است که او را به دوستی گرفته‌اند و کسانی که او را شریک می‌گیرند.»

حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی در تفسیر آیه شریفه ۶۴ سوره اسراء به یکی از یارانشان چنین فرمودند:

«هر آینه در اموال شما اموالی برای شیطان است و هر آینه در اولاد شما اولادی برای شیطان است، گفتم: این چطور می‌شود؟! فرمود: هر آینه شیطان با شما در کسبتان شریک می‌شود، هنگامی که شما را امر می‌کند، پس دروغ می‌گوید و تدلیس می‌کنید و فریب می‌دهید و غش می‌نمایید و از ترازو می‌کاهید و اموال مردم را به باطل می‌خورید، پس چون این کار را انجام دادید با شما در اولادتان شریک می‌شود؛ چراکه فروج را با اموالتان حلال می‌گردانید، پس با حرام نکاح می‌کنید و با حرام نفقه می‌دهید و با حرام متولد می‌سازید، پس با شما در اموال و اولاد

شریک می‌شود، پس از خداوند درباره‌ی درآمدها و ازدواج‌هاتان پروا کنید و شیطان را شریک نگیرید!» (نگاه کن به: گفتار ۱۳۳ فقره‌ی ۱)

۸. شیطان و حزیش دارای روحیه‌ی تکبر، خودبزرگ‌بینی و برتری‌جویی هستند؛ چنانکه خداوند بزرگ می‌فرماید: ﴿قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ﴾ (ص / ۷۵)؛ «فرمود ای ابلیس چه چیز تو را مانع شد که برای چیزی که به دستان قدرت خویش خلق کردم سجده آوری؟ آیا تکبر نمودی یا از [جمله] برتری‌جویانی؟» او به برتری نژادی اعتقاد دارد و بدین دلیل خود را برتر از انسان‌ها می‌داند؛ چنانکه خداوند بزرگ از زبان او می‌فرماید: ﴿قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ﴾ (ص / ۷۶)؛ «گفت من از او بهترم مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل آفریده‌ای.» و فرموده است: ﴿قَالَ لَمْ أَكُنْ لَأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ﴾ (حجر / ۳۳)؛ «گفت من آن نیستم که برای بشری که او را از گلی خشک از گلی سیاه و بدبو آفریده‌ای سجده کنم.» این گونه شد که ابلیس به دلیل سرپیچی از فرمان خداوند جزء موجودات پست قرار گرفت؛ همچنانکه فرموده است: ﴿قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ﴾ (اعراف / ۱۳)؛ «فرمود از آن [مقام] فرو شو تو را نرسد که در آن [جایگاه] تکبر نمایی پس بیرون شو که تو از خوارشدگانی.»

۹. حزب شیطان، از همان زمان که شیطان از خداوند برای اغوای بنی آدم مهلت گرفت، به دنبال توطئه، برنامه‌ریزی و دسیسه‌چینی برای افساد در زمین و انحراف بشر است؛ چنانکه خداوند از آن خبر داده و فرموده است: ﴿قَالَ فِيمَا أُغْوِيْتَنِي لَأَفْعِدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ (اعراف / ۱۶)؛ «گفت پس به سبب آنکه مرا به بیراهه افکندی من هم برای [فریفتن] آنان حتماً بر سر راه راست تو خواهم نشست.» و فرموده است: ﴿ثُمَّ لَا يَأْتِيهِمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ﴾ (اعراف / ۱۷)؛ «آن گاه از پیش رو و از پشت سرشان و از طرف راست و از طرف چپشان بر آن‌ها می‌تازم و بیشترشان را شکرگزار نخواهی یافت.»

۱۰. حزب شیطان که شیاطین جنی و انسی از سرتاسر جهان در آن عضویت و فعالیت دارند، همواره در حال طرّاحی، معماری و ساخت بناها، نمادها و ساختارهای مختلف برای فریب و اغوای انسان‌ها و گسترش پیام خویش در جهان هستند که برخی از آن‌ها مخفیانه و به شکل نماد و برخی دیگر واضح و آشکار است؛ چنانکه خداوند بزرگ فرموده است: ﴿وَالشَّيَاطِينُ كُلُّ بَنَاءٍ وَغَوَاصٍ﴾ (ص / ۳۷)؛ «و شیطان‌ها را [از] بنا و غَوَاص»

حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی چنین می‌فرماید:

«به نظر می‌رسد که این گرایش، هیچ‌گاه به اندازه‌ی امروز، عمیق و گسترده نبوده است؛ زیرا امروز، شبکه‌های مخفی متشکل از اصحاب قدرت و ثروت، در سطح بسیار بالایی به

برگزاری مناسک برای شیطان می‌پردازند و به ارتباط با شیاطین و داد و ستد با آنان اشتغال می‌ورزند.» (بازگشت به اسلام، ص ۱۶۶)

۱۱. شیطان و حزبش در نهان با فاسقان و مفسدان و منافقان همدست می‌شوند و به دشمنی، تخریب و استهزاء مؤمنان می‌پردازند؛ چنانکه خداوند بزرگ فرموده است: ﴿وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزَؤُونَ﴾ (بقره/ ۱۴)؛ «و چون با کسانی که ایمان آورده‌اند برخورد کنند می‌گویند ایمان آوردیم و چون با شیطان‌های خود خلوت کنند می‌گویند در حقیقت ما با شما هستیم ما فقط [آنان را] ریشخند می‌کنیم.»

۱۲. حزب شیطان به دشمنی با پیامبران خدا و پیام نهضت آنان می‌پردازد و برای فریب مردم سخنان باطل را آراسته و القاء می‌کند؛ چنانکه خداوند بزرگ فرموده است: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ﴾ (انعام/ ۱۱۲)؛ «و بدین گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطان‌های انس و جن برگماشتیم بعضی از آن‌ها به بعضی برای فریب [یکدیگر] سخنان آراسته القا می‌کنند و اگر پروردگار تو می‌خواست چنین نمی‌کردند پس آنان را با آنچه به دروغ می‌سازند واگذار.»

۱۳. شیطان و حزب ظالم و مستکبر او، در پی این هستند که مردم را از راه خداوند بازدارند و با انواع مغالطات و القای شبهات آن را کج‌راهِ و بیراهه نشان دهند؛ چنانکه خداوند بزرگ در وصف ظالمان فرموده است: ﴿الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَعْتُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ﴾ (اعراف/ ۴۵)؛ «همانان که از راه خداوند باز می‌دارند و آن را کج نشان می‌دهند و آنان به آخرت باور ندارند.»

۱۴. شیطان و حزبش به دنبال شیوع سحر و طلسم و جادوگری در بین مردم هستند تا از این طریق میان آن‌ها نزاع و دشمنی ایجاد کنند و آنان را از خداوند دور نمایند؛ چنانکه خداوند بزرگ فرموده است: ﴿وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكٍ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السَّحَرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرُّوا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾ (بقره/ ۱۰۲)؛ «و از چیزی که شیاطین در حکومت سلیمان خواندند پیروی کردند، در حالی که سلیمان کافر نشد، ولی شیاطین کافر شدند و به مردم جادو می‌آموختند! و [نیز از] آنچه بر آن دو فرشته هاروت و ماروت در بابل فرو فرستاده شده بود [پیروی کردند] با اینکه آن دو [فرشته] هیچ کس را تعلیم [سحر] نمی‌کردند مگر آنکه [قبلاً به او] می‌گفتند ما [وسیله] آزمایشی [برای شما] هستیم پس زنهار کافر نشوی و [لی] آن‌ها از آن دو [فرشته] چیزهایی می‌آموختند که به وسیله آن میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند هر چند بدون فرمان خدا

نمی‌توانستند به وسیله آن به احدی زیان برسانند و [خلاصه] چیزی می‌آموختند که برایشان زیان داشت و سودی بدیشان نمی‌رسانید و قطعاً دریافته بودند که هر کس خریدار این [متاع] باشد در آخرت بهره‌ای ندارد، وه که چه بد بود آنچه به جان خریدند اگر می‌دانستند.»

۱۵. حزب شیطان از یک سو دروغ و معصیت را در جهان گسترش می‌دهد و از سوی دیگر بر افراد دروغگو و گناهکار نازل می‌شود تا آن‌ها را فریب دهد؛ چنان که خداوند بزرگ فرموده است: ﴿هَلْ أُتْبِكُمْ عَلَىٰ مَنْ تَنَزَّلُ الشَّيَاطِينُ تَنَزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْتُرُهُمْ كَاذِبُونَ﴾ (شعراء / ۲۲۳-۲۲۱)؛ «آیا شما را خبر دهم که شیاطین بر چه کسی فرود می‌آیند. بر هر دروغزن گناهکاری فرود می‌آیند، [دزدانه] گوش فرا می‌دارند و بیشترشان دروغگویند.»

۱۶. حزب شیطان دارای اهداف، برنامه‌ها و سیاست‌های مشخص و معینی است و شیطان شخصاً بر اجرای این برنامه‌ها نظارت و کنترل دارد. بدیهی است که در دوران آخر الزمان و با نزدیک شدن زمان ظهور آخرین خلیفه‌ی خداوند بر پیچیدگی سازماندهی‌ها و گستره‌ی توطئه‌های این حزب اهریمنی افزوده می‌شود و دشمنی‌ها و فتنه‌انگیزی‌های آن علیه حزب خداوند و مؤمنان افزایش می‌یابد؛ تا جایی که ابلیس تمام نیرو و توان خود را برای مقابله با سازمان الهی در زمان موعود فراهم می‌آورد؛ چنان که خداوند بزرگ فرموده است: ﴿وَجُنُودُ إِبْلِيسَ أَجْمَعُونَ﴾ (شعراء / ۹۵)؛ «و همه‌ی لشکریان ابلیس»

۱۷. در سازمان شییطانی، یک نظام طبقاتی منحنی بر برتری‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و حتی نژادی حاکم است و لذا سلسله مراتب در آن و روابط میان طبقات مبتنی بر اصولی مانند تکبر، برتری‌جویی، بهره‌کشی و نژادپرستی است، در حالی که در حزب الهی ملاک برتری و فضیلت، پرهیزکاری و نیکوکاری است.

۱۸. سازمان شییطانی همفکران و یارانی دارد که عموماً در دشمنی با اسلام و آموزه‌های اسلامی مشترکند. یکی از مهمترین یاران شیطان و سازمانش، اهل کتاب و خصوصاً یهودیان هستند که کینه و عداوت دیرینه‌ای با اسلام دارند؛ همچنانکه خداوند متعال از عداوت شدید آنان با مسلمانان خبر داده و فرموده است: ﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا﴾ (مائده / ۸۲)؛ «مسلمانان یهودیان و کسانی را که شرک ورزیده‌اند را دشمن‌ترین مردم نسبت به مؤمنان خواهی یافت.» و درباره‌ی اهل کتاب فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَيْتُمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (آل عمران / ۱۱۸)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید دوست همرازی جز از همکیشان خود مگیرید که آنان از هیچ فسادى در حق شما کوتاهی نمی‌کنند و دوستدار رنج و مشقت شمايند. کينه‌توزی از گفتارشان آشکار است و آنچه سينه‌هاشان پنهان می‌کند بزرگ‌تر است. آیات را براي‌تان آشکار ساختيم اگر به عقل درآييد.»



شکل (۱) دشمنی یهود با اسلام و مسلمین ریشه‌ای عمیق دارد.

حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی در این باره می‌فرماید:

«از این رو، سردمداران اصلی نظام قدرت و سرمایه، عمدتاً شیطان‌پرستانی با پیشینه‌ی یهودی هستند که گرایش‌های تند ضدّ دینی و ضدّ اسلامی دارند. به علاوه، آنان به دلیل آشنایی تاریخی با جادوگری که از فرهنگ قوم یهود در مصر به ارث برده‌اند، گرایش خطرناکی به جادوگری یافته‌اند تا با بهره‌گیری از طلسم جادوگران، قدرت و سرمایه‌ی خود را هر چه بیشتر پاس دارند و بیفزایند.» (بازگشت به اسلام، ص ۱۶۶)

آنچه در ادامه شایسته بررسی اجمالی است، مسأله‌ی نمادشناسی حزب شیطان است که به منظور بصیرت، هوشیاری و شناخت بیشتر درباره‌ی این سازمان مفسد و اهریمنی به کار می‌آید. نمادهایی که امروز به شکل سازه‌های معماری قابل مشاهده است، دو نماد هستند:

۱. مدیریت و سازماندهی حزب شیطان از شکل هندسی مثلث بهره می‌برد. مثلث به دلیل ساختار هندسی‌اش همیشه سه رأس دارد که یک رأس آن در بالا قرار می‌گیرد. اشکال دیگر هندسی مثل هرم نیز از همین ویژگی در فضای سه بعدی بهره می‌برند. پیش‌تر گفتیم که در سازمان شیطانی یک نظام طبقاتی حاکم است. در این مثلث یا هرم، هر چه فاصله بین افراد بیشتر باشد به منزله اختلاف بیشتر طبقاتی خواهد بود و در نتیجه ارتفاع هرم یا مثلث بیشتر خواهد شد. در این سازمان هر چه فرد از لحاظ فکری و سازمانی به شیطان نزدیک‌تر باشد، بیشتر به رأس هرم نزدیک می‌شود. متأسفانه در نظام فعلی جهان همین ساختار سازمانی مبتنی بر مثلث یا هرم به شکل سلسله مراتبی مورد استفاده سازمان‌ها و نهادها قرار می‌گیرد و آگاهانه یا ناآگاهانه تحت نفوذ سازمان شیطانی قرار می‌گیرند. در سازمان شیطانی افراد برای رسیدن به قدرت و ثروت و نفوذ بیشتر به دنبال ارتقاء در طبقات هرم هستند و با حرص فراوان برای رسیدن به آمل و اهداف شوم خود، چه بسا مرتکب خیانت‌ها و جنایت‌های هولناکی می‌شوند و به تمام خواسته‌های نامشروع حزب خویش تن می‌دهند تا بالأخره در این هرم به جایگاه بالاتری برسند.



شکل ۲) مثلث نماد سازمان شیطانی

اما هر یک از اضلاع این مثلث می‌تواند نشان دهنده‌ی یک ویژگی اصلی در سازمان شیطانی باشد:

الف) زورگویی و استبداد رأی

ب) زرپرستی یا استثمار اقتصادی

ج) تزویر، تحریف و استحمار فکری

در مورد ویژگی اول می‌توان گفت که بارزترین نمونه برای استبداد حزب شیطان و اعوانش، فرعون است که از فرط طغیان و استبداد، نامش به مثلی برای مستبدان و ظالمان عالم تبدیل شده است و کسی که از یک حد بیشتر متکبر و مستبد است را به «تفرعن» متهم می‌کنند. خداوند از طغیان و استکبار فرعون و برخوردارانش خبر داده و فرموده است: ﴿ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُّوسَىٰ وَهَارُونَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ﴾ (یونس / ۷۵)؛ «بعد از آن‌ها موسی و هارون را با آیات خود به سوی فرعون و اطرافیانش فرستادیم، اما آن‌ها استکبار ورزیدند و آن‌ها قومی مجرم بودند» و خطاب به موسی علیه السلام فرموده است: ﴿اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ﴾ (طه / ۲۴)؛ «به سوی فرعون برو؛ چراکه او طغیان کرده است».



شکل ۳) اهرام ثلاثه مصر در زمان فرعون

امروزه در نظام‌های سیاسی متأثر از سازمان هرمی شیطانی و نظام سلطه، استفاده از اشکال مثلثی شکل و هرمی برای ساختن ساختمان‌ها و برج‌ها مرسوم شده است. همچنین وجود انجمن‌های مخفی و لژهای فراماسونری از مهم‌ترین ویژگی‌های این ساختار است که نشستن افراد در آن‌ها به شکل هرمی و سلسله مراتبی است!^۱



شکل ۴) ساختمانی هرمی شکل

دومین ویژگی مهم ساختار سازمانی هرم شیطان، زیرپستی، سرمایه‌محوری و استثمار اقتصادی جوامع است. مهمترین مصداق برای این خصیصه در حزب شیطان را در می‌توان در قارون^۲ مشاهده نمود. خداوند بزرگ درباره او فرموده است: ﴿وَقَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ﴾ (عنکبوت / ۳۹)؛ «و قارون و فرعون و هامان را [هم هلاک کردیم] و به راستی موسی برای آنان دلایل آشکار آورد و [لی آن‌ها] در آن سرزمین سرکشی نمودند و [با این همه بر ما] پیشی نجستند.» و درباره‌ی ستمکاری و ثروت اندوزی او فرموده است: ﴿إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ وَأَتَيْنَاهُ مِنَ الْكُتُوبِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ﴾ (قصص / ۷۶)؛ «هرآینه قارون از قوم موسی بود، پس بر آنان ستم کرد و او را از گنجینه‌ها چیزی دادیم که کلیدهایش گروهی زورآور را به زحمت می‌انداخت! هنگامی که قومش به او گفتند: شادخواری نکن؛ چراکه خداوند

۱. در این رابطه مطالعه مقاله یا موضوع: «اشارات کتاب بازگشت به اسلام به انجمن‌های مخفی» نوشته شده توسط برادر محترم جناب همایون دانش توصیه می‌گردد.

۲. قارون بن یصهر از افراد ثروتمند بنی‌اسرائیل و بنا به قولی پسر عموی حضرت موسی (ع) بود که قرآن او را در بدکاری در ردیف فرعون و هامان قرار داده است. وی ابتدا از مخالفان اصلی حضرت موسی (ع) بود، اما در نهایت به او ایمان آورد و به همراه بنی‌اسرائیل، مصر را ترک کرد. با گذشت زمان، قارون شروع به نافرمانی نمود و همین امر موجب عذاب الهی و مرگ او گردید. قارون جاه‌طلب، بخیل، حسود و بسیار ثروتمند بود، آن‌چنان‌که چند تن زورمند زیر بار کلیدهای مخازن و دفاتر حساب اموالش زانو می‌زدند!

شادخواران را دوست نمی‌دارد» او از کسانی بود که به خاطر دارایی و مکتش، بر خداوند و پیامبرش جرأت یافته بود و موسی علیه السلام را ساحر و کذاب لقب می‌داد؛ چنانکه فرموده است: ﴿إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَارُونَ فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَّابٌ﴾ (غافر / ۲۴)؛ «به سوی فرعون و هامان و قارون [اما آنان] گفتند افسونگری شیاد است.»

در چنین شرایطی حرام‌خواری و اکل اموال به باطل شیوع پیدا می‌کند و در پی آن رباخواری و نزول خواری و انواع مفاسد و مظالم مالی متداول می‌شود. در چنین جامعه‌ای هر کسی که تقوای الهی پیشه می‌کند و روزی خویش را از راه حلال به دست می‌آورد در کف هرم و طبقات فرودست باقی می‌ماند و دچار فقر و مشقت و محرومیت خواهد شد، اما کسانی که تقوا و تقيّدی به حرام و حلال ندارند، روز به روز به طبقات بالاتری صعود می‌کنند و به رأس هرم نزدیک‌تر می‌شوند. از همین روست که خداوند متعال در آیات متعدّد از حرام‌خواری^۱، رباخواری^۲ و در مجموع از اکل مال به باطل نهی فرموده است، بلکه برخی از این مفاسد مانند رباخواری را مصداق محاربه با خویش دانسته و درباره رباخوار فرموده است: ﴿فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾ (بقره / ۲۷۹)؛ «پس اگر دست بر نمی‌دارید با خداوند و پیامبرش اعلام جنگ کنید».

جالب است که امروز نماد هرم به عنوان نمادی شیطنانی، به صورت برهنه و آشکار نمایش داده می‌شود؛ همچنانکه به عنوان نمونه بر روی دلار که پول رایج بزرگترین کشور استکباری در دوران معاصر است نیز وجود دارد.

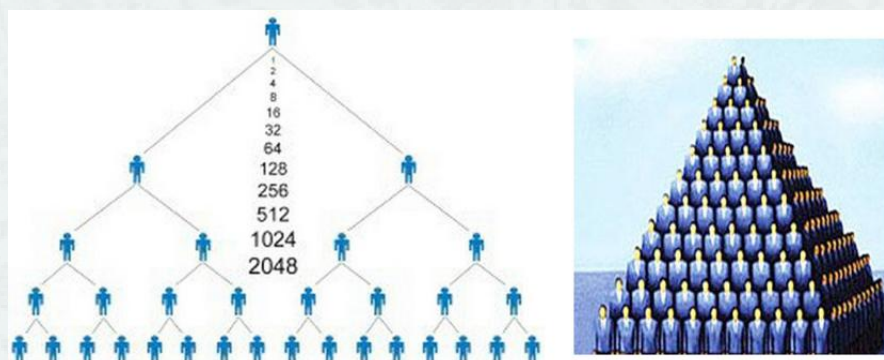


شکل ۵) نماد هرم روی دلار آمریکا

وانگهی ایجاد شرکت‌های هرمی با هدف چپاول ثروت طبقات متوسط جامعه و فقیر کردن آن‌ها یکی دیگر از دلایل وجود زرپرستی در سازمان شیطنانی است.

۱. مائده / ۴۲ و ۶۲

۲. به عنوان نمونه نگاه کنید به: روم / ۳۹؛ نساء / ۱۶۱ و آل عمران / ۱۳۰



شکل ۶) شرکت‌های هرمی و ایجاد نظام طبقاتی



شکل ۷) اختلاف طبقاتی و پول پرستی در سازمان شییطانی

سومین ویژگی مهم ساختار سازمانی هرم شیطان، تزویرگرایی، تحریف باورهای دینی و استحمار فکری انسان‌هاست. بازوی اصلی سازمان شیطان برای این تزویر و استحمار، عالمان فاسد و ریاکاری هستند که با سفاهت محض آخرت خویش را به دنیا می‌فروشند و در خدمت تحقق اهداف شیطان قرار می‌گیرند. اینان که غالباً با تکبری شییطانی و تفرعنی نفرت‌انگیز شناخته می‌شوند، در مقابل خلفای خداوند قرار می‌گیرند و گفتمان آنان را ملوث می‌کنند و جای آنان را اشغال می‌نمایند و بستری برای بروز و ظهور خلفای خداوند در میان مردم باقی نمی‌گذارند تا این گونه شیطان و حزب او تقویت شود و امکان حکومت بر مردم را در غیاب خلیفه‌ی خداوند پیدا کند.

قرآن کریم برخی از عالمان فاسد بنی اسرائیل را معرفی می‌نماید که البته نمونه‌ای برای همه‌ی عالمان فاسد در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها و هشدار از سوی خداوند برای زمان ما شمرده می‌شود. همچنین می‌فرماید که آنان اموال مردم را به باطل می‌خورند و از راه خدا باز می‌دارند.^۱ نمونه‌ی بارز چنین استحمارگران مذهبی بلعم باعورا بود که البته نامی از او در قرآن برده نشده است، لکن بسیاری از مفسران قرآن کریم مضمون آیات ۱۷۵ و ۱۷۶ سوره اعراف را اشاره به او دانسته‌اند.

۱. نگاه کنید به: توبه / ۳۴

این استعمارگران مذهبی از روی سالوس و تزویر، ردای دین بر تن می‌کنند اما در پوشش این زهد ریایی، پای خویش را بر روی گلوی مردم می‌گذارند و به استبداد سیاسی و استثمار و استضعاف اقتصادی آلوده می‌شوند، با مستکبران و منافقان هم‌پیمان می‌گردند، مفسدان اقتصادی را در جامعه آزاد می‌گذارند و حقوق مستضعفان و محرومین را پایمال می‌کنند. بی‌شک این‌ها بزرگ‌ترین نقش را در حفظ و نگهداری سازمان شیطانی و توجیه و تطهیر آن بر عهده دارند. آنان با ابزار کارآمد دین مردم را فریب می‌دهند و بر گرده‌ی آن‌ها سوار می‌شوند از مردم سواری می‌گیرند و مانع هدایت و سعادت آنان می‌شوند. همچنانکه با ترویج تقلید و تزریق عوام اندیشی، عقل مردم را تضعیف می‌کنند و به بردگانی برای خویش تبدیل می‌نمایند.



شکل ۸) استثمار از طریق تقلیدگرایی و عقل‌گریزی

حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی در مورد دلیل بقای سازمان شیطانی چنین می‌فرماید:

«این کاملاً طبیعی است که قدرتمندان و سرمایه داران بزرگ جهان، خود را موظف به پاسداری از نظامی می‌دانند که آنان را به قدرت و سرمایه رسانده است؛ چراکه در صورت نابودی این نظام، قدرت و سرمایه‌ی آنان نیز نابود می‌شود و این به معنای وابستگی آنان به این نظام است؛ همچنانکه در فرایندی متقابل، این نظام نیز به آنان وابستگی دارد.» (بازگشت به اسلام، ص ۱۶۵)

ابلیس -آن متکبرترین مخلوق خداوند- طبیعتاً در رأس سازمان هرمی نظام سلطه که توسط خودش طراحی شده، قرار دارد. به هر میزانی که اعضای این هرم، در بردگی شیطان و طغیان علیه خداوند از دیگران پیشی بگیرند و وفاداری و پرستش خویش نسبت به شیطان را به اثبات برسانند، طبیعتاً به رأس هرم نزدیک‌تر می‌شوند و توفیق تقرب و ارتباط بیشتری با شیطان پیدا می‌کنند و با مساعدت شیطان، بر اریکه‌ی قدرت، ثروت، شهرت و حتی مرجعیت مزورانه‌ی دینی می‌نشینند و صاحب تمکن و سلطه‌ی بیشتری در زندگی دنیا می‌شوند. شکل ۹ که در بین محققان حوزه‌ی علوم اجتماعی و سیاسی مشهور است، می‌تواند تا حدی وضعیت کنونی سازمان شیطانی را نمایش دهد.



در این هرم، طبقات بالاتر بر طبقات پایین تر تسلط دارند. در سازمان شیطانی، انرژی و منابع، بیشتر به سمت رأس هرم است. در واقع طبقات بالاتر به منابع بیشتری دسترسی دارند و طبقات پایین تر را استثمار می کنند. نظام مثلی، نظام طبقاتی است. هر چه ارتفاع هرم بیشتر باشد، نظام طبقاتی دارای عمق بیشتری است و در نتیجه اختلاف طبقاتی بیشتر است. هدف از تشکیل نظام هرمی سلطه، ایجاد و استقرار ظلم و نابودی بشریت است. دجال ها و فرعون ها که مظاهر طاغوت و زورگویی و استبداد سیاسی هستند در قسمت های فوقانی هرم قرار می گیرند. به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران شخص ابلیس لعین وارد معرکه شده و با شعار انحرافی نظم نوین جهانی در حال برقراری ارتباط حضوری با افراد بالای هرم است. ابلیس خودش در رأس هرم قرار دارد و سازمان خودش را مدیریت و رهبری می کند. در این هرم، مراد از سلطه بر دارایی های جهان، سلطه بر بانک ها، کمپانی ها، کارتل ها و در مجموع نظام اقتصادی جهان است و مراد از سلطه بر منابع جهان، سلطه بر معادن و منابع طبیعی است و مراد از سلطه بر جمعیت جهان، کنترل جمعیت و تنظیم آن متناسب با نیازهای سلطه گران است و مراد از سربازان پیاده نظام، رسانه ها، آموزش و پرورش، فرهنگ سازی، امور نظامی و ... است و در نهایت مراد از بردگان همیشه بدهکار، مردم عادی هستند که با شکل گوسفند نمایش داده می شوند!

حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی در این باره می فرماید:

«این به آن معناست که شیطان، رئیس بزرگ و سردمدار اصلی نظام سلطه و سرمایه داری در جهان است و بیشتر اصحاب قدرت و ثروت در کنار نیروهای خبیث شیطانی، سرکارگران او

در جهان هستند که توسط او از میان انسان‌ها و جنیان، استخدام شده‌اند تا مردم، این کارگران بی‌خبر و ساده‌لوح را برای اربابشان به کار وادارند. این یک سخن صریح و صادقانه است، بی‌آنکه کنایه یا تمثیلی در آن باشد.» (بازگشت به اسلام، ص ۱۶۷)

۲. یکی دیگر از مهم‌ترین نمادهای شییطانی در عصر حاضر که به صورت سازه‌های معماری در اقصی نقاط جهان به وفور دیده می‌شود، نماد ابلیسک (الهام گرفته شده از بت بعل^۱) است. این نماد نشان‌دهنده‌ی اوج بت‌پرستی مدرن در جهان کنونی است که همه‌ی بت‌پرستان و شیاطین را حول خود جمع نموده است؛ همچنانکه خداوند بزرگ فرموده است: ﴿أَتَدْعُونَ بَغْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ﴾ (صافات / ۱۲۵)؛ «آیا بعل را می‌پرستید و بهترین آفرینندگان را وا می‌گذارید؟!»



شکل ۱۰) ابلیسک در آمریکا شبیه بت بعل!

اما در تقابل با سازمان شییطانی، سازمان الهی با اهداف، برنامه‌ها و تشکیلاتی متفاوت قرار دارد. رهبری این سازمان در حال حاضر بر عهده‌ی آخرین خلیفه‌ی خداوند و سلاله‌ی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، امام مهدی علیه السلام است که به عنوان آخرین خلیفه‌ی راشد رسول الله و قیام‌کننده‌ی به عدل و برابری مورد قبول و تصدیق همه‌ی مسلمانان جهان است؛ چراکه از یک سو طهارت و ضرورت مودت آن حضرت به عنوان امامی از اهل بیت رسول الله، مورد تصریح و تأکید قرآن کریم قرار گرفته^۲ و از سوی دیگر

۱. بعل نام بتی است که جوامع باستانی سرزمین میان‌رودان، آن را می‌پرستیدند؛ به ویژه کنعانیان که او را خدای باروری و حاصل‌خیزی و از مهم‌ترین خدایان پرستش‌گاه می‌دانستند. گرچه واژه بعل که یک اسم عام سامی به معنای مالک یا سرور است، می‌توانست به هر خدا یا انسان صاحب‌مقام یا مخلوقی نسبت داده شود، لیکن این بی‌ثباتی در به‌کار بردن واژه بعل، مانع اطلاق آن به خدایی با صفات متمایز نمی‌شد. در قرآن نیز نام بعل ضمن داستان الیاس ذکر شده است (سوره صافات آیات ۱۲۳ تا ۱۲۷). در قرآن بیان شده است که الیاس‌نبی، قوم خود را از پرستش بعل نهی کرد و آنان را به پرستش خداوند فراخواند؛ ولیکن اکثریت قوم اسرائیل او را رد کرده و توبه نکردند.

۲. نگاه کنید به: احزاب / ۳۳ و شوری / ۲۳

در سنت پیامبر خاتم صلوات الله و سلامه علیه بر ضرورت تمسک به اهل بیت در کنار کتاب خدا تأکید شده و ضامن هدایت و مانع ضلالت امت معرفی شده است.^۱

حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی درباره‌ی ضرورت تشکیل سازمان الهی در تقابل با سازمان شیطانی و تلاش خود در این راستا، چنین می‌فرماید:

«این به معنای ایجاد یک شبکه‌ی جهانی الهی در برابر یک شبکه‌ی جهانی شیطانی است که تنها راه ممکن برای دفع شرّ آن و تحقق زمینه‌ی حاکمیت خداوند بر جهان است و این کاری است که من برای انجام آن تلاش می‌کنم. هر چند ممکن است که انجام این کار از من ساخته نباشد، ولی دست کم می‌توانم برای انجام آن تلاش کنم. روشن است که اگر شماری دیگر از مسلمانان نیز نیت من را داشته باشند و همراه من برای انجام آن تلاش کنند، به تدریج زمینه برای انجام آن ولو در یک قرن آینده و توسط نسل‌های بعد، فراهم می‌شود.» (بازگشت به اسلام، ص ۱۶۹)

در ادامه به بررسی مؤلفه‌ها، راهبردها، رویکردها و اهداف سازمان الهی می‌پردازیم:

۱. خداوند متعال به حکمت و تدبیر خویش در هر زمان خلیفه‌ای را برای رهبری مردم و مدیریت سازمان الهی مقرر فرموده و مردم را به پیروی و همراهی با او امر کرده؛ چنانکه فرموده است: ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ (بقره / ۳۰)؛ «من در زمین خلیفه‌ای را قرار دهنده‌ام» و پیروی از خلفاء الله را مصداق پیروی از خود شمرده و فرموده است: ﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا﴾ (نساء / ۸۰)؛ «هر کس از پیامبر اطاعت کند هر آینه از خداوند اطاعت کرده است و هر کس روی گرداند، تو را نگاهبانی بر آنان نفرستادیم» و از خلفاء بعد از پیامبرش با عنوان اولیاء امر یاد کرده و اطاعت آنان را واجب دانسته و فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ (نساء / ۵۹)؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را اطاعت کنید» و فرموده است: ﴿وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ (نساء / ۸۳)؛ «و چون خبری از ایمنی یا وحشت به آنان برسد انتشارش دهند و اگر آن را به پیامبر و اولیای امر خود ارجاع کنند قطعاً از میان آنان کسانی‌اند که [می‌توانند درست و نادرست] آن را دریابند و اگر فضل خدا و رحمت او بر شما نبود مسلماً جز اندکی از شیطان پیروی می‌کردید.» همچنانکه آنان را ائمه‌ی هدایت دانسته و فرموده است: ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أَيْمَةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ﴾ (انبیاء / ۷۳)؛ «و آنان را پیشوایانی قرار دادیم

۱. اشاره به حدیث مشهور و متواتر «ثقلین» که پیامبر اکرم در فرازی از آن فرمود: «فَإِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ خَلِيفَتَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عُرَّتِي أَهْلَ بَيْتِي إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي»؛ «پس من در میان شما دو گرانبایه را به عنوان خلیفه باقی می‌گذارم: کتاب خدا و عترتم که اهل بیتم هستند، هرگاه به آن دو تمسک جویدید هرگز پس از من گمراه نخواهید شد.»

که به فرمان ما هدایت می کردند و به ایشان انجام دادن کارهای نیک و برپا داشتن نماز و دادن زکات را وحی کردیم و آنان پرستنده‌ی ما بودند.»

۲. همراهان و حامیان سازمان الهی، غالباً از مستضعفان، مظلومان، غریبان و طبقات پایین دست جامعه هستند و این در حالی است که خداوند علی رغم این استضعاف و غربت به آنان مَنّت نهاده و وعده عزّت و پیروزی داده است؛ همچنانکه به عنوان نمونه فرموده است: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص / ۵)؛ «و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث [زمین] کنیم.» از همین روست که خداوند یکی از اهداف سازمان الهی را جهاد در راه نجات و رهایی مستضعفان جهان دانسته و فرموده است: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» (نساء / ۷۵)؛ «چرا در راه خدا و (در راه) مردان و زنان و کودکانی که ضعیف نگاه داشته شده‌اند، پیکار نمی کنید؟! همان افرادی که می گویند: پروردگارا! ما را از این شهر که اهلش ستمگرند، بیرون ببر! و از طرف خود، برای ما سرپرستی قرار ده! و از جانب خود، یار و یاور برای ما تعیین فرما!» مؤید این معنا روایتی است که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که آن حضرت فرمود: «بَدَأَ الْإِسْلَامُ غَرِيبًا وَسَيَعُودُ غَرِيبًا فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ» (صحیح مسلم، ج ۱، ص ۹۰؛ مسند احمد، ج ۴، ص ۷۳؛ بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۱۳۶)؛ «اسلام غریبانه آغاز شد و به غربت خویش باز خواهد گشت؛ پس خوش به حال غریبان!»

۳. سازمان الهی، برای تضمین هدایت و سعادت بشر، پیشوایانی مطهر و امامانی مصون از انحراف را تعیین نموده و آنان را از طریق راهکار «نصّ» یا «معجزه» به مردم معرفی نموده است. این پیشوایان پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به اتفاق امت و بدون هیچ اختلافی ۱۲ نفرند که خلفاء راشد (هدایت یافته) آن حضرت شمرده می شوند و طبق فرموده‌ی حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی واسطه‌ی در تطبیق و مجری احکام خداوند هستند.^۱ اما عدد ۱۲ در میان اقوام گذشته نیز سابقه‌ای دارد و می توان گفت بیانگر سنتی است که در مورد گذشتگان نیز وجود داشته است؛ همچنانکه خداوند بزرگ نقبای بنی اسرائیل را ۱۲ نفر شمرده و فرموده است: «وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا» (مائده / ۱۲)؛ «در حقیقت خدا از فرزندان اسرائیل پیمان گرفت و از آنان دوازده سرکرده برانگیختیم.»

جالب آنکه عدد ۱۲ در نماد شناسی نشانه‌ی کمال است؛ با توجّه به اینکه ۷ اختر و ۱۲ برج وجود دارد و ۷ در عدد ۱۲ گردان است.^۲ پس اگر ۱۲ را نشانه‌ی کمال بدانیم، این عدد خجسته ترین خواهد بود؛ زیرا

۱. نگاه کنید به: بازگشت به اسلام، ص ۱۹۹ تا ۲۰۲

۲. توضیح آنکه عدد ۷ در عدد ۱۲ گردش دارد مثل هفته‌ها در ماه‌های سال. در واقع نظم کیهانی به صورت ۳ * ۴ طراحی شده که بر اساس آن یک ساعت هم شکل می گیرد. و اعداد ۳ و ۴ ارتباط بین عدد ۷ و عدد ۱۲ را نشان می دهند زیرا ۳ + ۴ = ۷ و ۳ * ۴ = ۱۲.

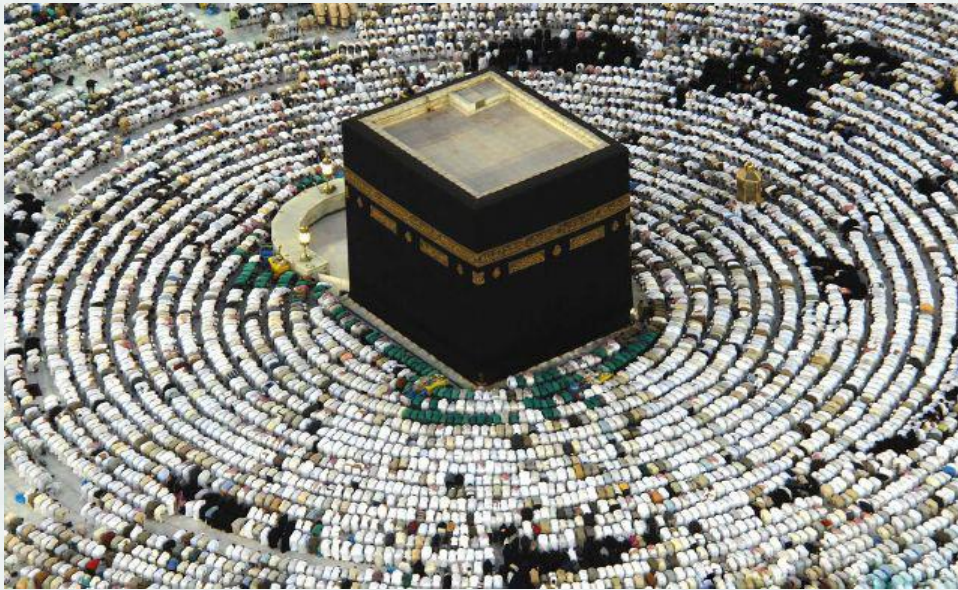
آرمان آفرینش رسیدن به سرآمدگی و کمال است؛ چنانکه خداوند بزرگ فرموده است: ﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ﴾ (توبه/ ۳۶)؛ «در حقیقت شماره ماه‌ها نزد خدا از روزی که آسمان‌ها و زمین را آفریده در کتاب [علم] خدا دوازده ماه است از این [دوازده ماه] چهار ماه [ماه] حرام است این است آیین استوار».

عدد ۱۲ اشاره به شکل دایره دارد. در علم طراحی و گرافیک هر شکل معنای ویژه‌ای را القاء می‌کند. دایره در برگیرنده‌ی مفاهیم کمال، یکپارچگی و نبود هر نوع تمایز و تفکیک است. دایره، شکل کاملی است که نماد لطافت، نرمی، سیالیت، تکرار و تبدیل، حرکت جاودانه، درون‌گرایی، آرامش روحانی و آسمانی، پاکی، صمیمیت و آن‌جهانی بودن به شمار می‌آید. علاوه بر این، دایره که نمادی از حرکت پیوسته و مدور آسمان است با الوهیت نیز در ارتباط است و مفهوم بی‌پایانی را القاء می‌کند. حرکت دایره‌ای کامل و تغییر ناپذیر است، بدون آغاز، بدون انجام و بدون تغییر. به همین دلیل دایره نمادی از زمان است، زمانی که به عنوان مجموعه‌ی زنجیره‌واری از لحظات که به نحوی پی در پی، بدون تغییر و شبیه یکدیگر دنبال هم تکرار می‌شوند. تقسیم عدد ۱۲ بر روی یک دایره، یعنی ابتدا تقسیم آن به عدد ۴ به علامت چهار جهت اصلی و سپس تقسیم هر کدام از این بخش‌های چهارگانه به عدد ۳، مثل تصویر ساعت و یا تقسیم بندی سال به فصل و ۱۲ ماه، که یک دور آن بیانگر یک گردش کامل و تمام است، اشاره به مفهوم عدد ۱۲ به معنای یک دوره‌ی کامل دارد که نشان دهنده‌ی گردش، پویایی و کمال است.

از همین روست که نشستن به شکل دایره‌ای نشان‌دهنده‌ی تواضع، خشوع و فروتنی است؛ چنان که طبق نقل‌های اسلامی، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت و صحابه و تابعین، به شکل دایره‌ای بر گرد یکدیگر می‌نشستند و چنان شرایط ساده بود که اگر کسی وارد مجلس یا مسجد می‌شد نمی‌توانست رسول خدا را به راحتی بشناسد و لذا سؤال می‌کرد که محمد کدام یک از شماست؟!



شکل ۱۱) نشستن مسلمانان به شکل دایره‌ای که نشان دهنده تواضع، برادری و کمال‌گرایی است.

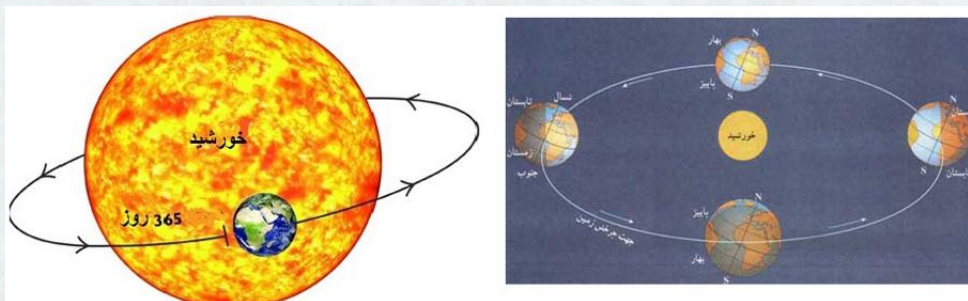


شکل ۱۲) صفوف نماز و طواف مومنان به دور کعبه به شکل دایره ای که نشان دهنده تواضع، برادری و کمال گرایی است.

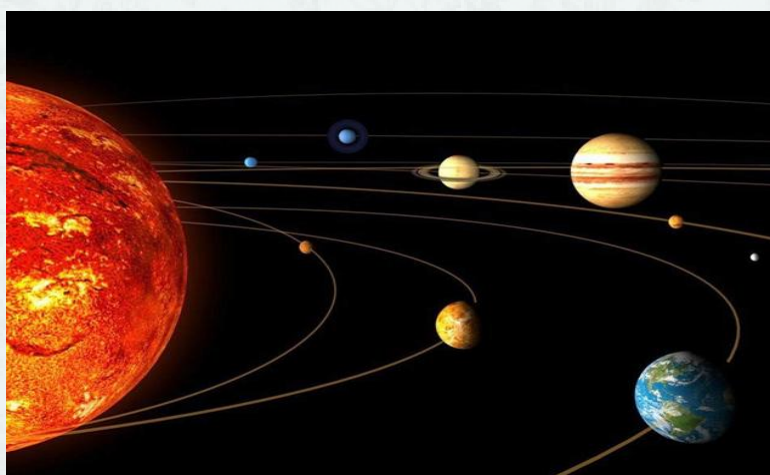
در نظام آفرینش نیز ستاره‌ها و سیارات به شکل تقریباً کروی هستند و حرکت آن‌ها در مدار خود به شکل حلقوی و دایره‌ای است که این خود نشان‌دهنده‌ی تکامل و کمال گرایی در نظام آفرینش است. همچنانکه خداوند بزرگ به این حرکت مدور اشاره کرده و فرموده است: ﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ﴾ (انبیاء/ ۳۳)؛ «و اوست آن کسی که شب و روز و خورشید و ماه را پدید آورده است هر کدام از این دو در مداری [معین] شناورند.»



شکل ۱۳) حرکت زمین به دور خودش یا همان حرکت وضعی به شکل دایره‌ای



شکل ۱۴) حرکت زمین به دور خورشید یا همان حرکت انتقالی به شکل دایره‌ای



شکل ۱۵) حرکت سیارات منظومه شمسی به دور خورشید به شکل دایره‌ای

۴. اعضای سازمان الهی کسانی هستند که پیشوایان مورد تأیید این سازمان را با بصیرت و معرفت کافی می‌شناسند و به حقانیت آنان ایمان می‌آورند و خود را ملزم به اطاعت و تبعیت از آنان می‌شمارند. خداوند متعال درباره‌ی آنان فرموده است: **﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ﴾** (حدید / ۱۹)؛ «و کسانی که به خدا و پیامبران وی ایمان آورده‌اند آنان همان راستینانند و پیش پروردگارشان گواه خواهند بود [و] ایشان راست اجر و نورشان» و فرموده است: **﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشَّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا﴾** (نساء / ۶۹)؛ «و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند در زمره کسانی خواهند بود که خدا ایشان را گرمی داشته [یعنی] با پیامبران و راستان و شهیدان و شایستگانند و آنان چه نیکو همدمانند.»

خداوند اعضای سازمان الهی و پیروان خلفاء خود در زمین را وارثان زمین نامیده و درباره‌ی آن‌ها فرموده است: **﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾** (قصص / ۵)؛ «و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم

و ایشان را وارث [زمین] کنیم.» و فرموده است: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء/ ۱۰۵)؛ «و در حقیقت در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.»

همچنین اعضای سازمان الهی، ماهیت و مصادیق طاغوت در زمانه‌ی خود را می‌شناسند و از پرستش آن سر باز می‌زنند؛ چنانکه خداوند متعال فرموده است: «وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى» (زمر/ ۱۷)؛ «و آنان که از پرستش طاغوت اجتناب می‌کنند و به سوی خدا بازگشته‌اند آنان را مژده باد.»

۵. سازمان الهی، پیش از هر چیز توسط مؤمنان مخلص و فداکار و بعد از آنان توسط امدادها و نصرت‌های ویژه‌ی الهی تأیید و حمایت می‌شود. یکی از مصادیق این نصرت‌ها، نقش فرشتگان در یاری سازمان الهی است؛ تا جایی که می‌توان گفت فرشتگان هم جزئی از سازمان الهی و معادلات خداوند متعال برای یاری جبهه‌ی حق هستند که بنا به مورد و در صورت ضرورت به اذن خداوند برای یاری مؤمنان نازل می‌شوند و در تقابل با شیاطین، سپاه حق را یاری می‌رسانند. خداوند در جای جای قرآن از پشتیبانی و حمایت فرشتگان یاد کرده و به عنوان نمونه فرموده است: «وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ» (تحریم/ ۴)؛ «در حقیقت خدا خود سرپرست اوست و جبرئیل و صالح مؤمنان [نیز یاور اویند] و پس از آن فرشتگان [هم] پشتیبان [او] خواهند بود» و در جایی دیگر شرط امدادهای الهی و نزول فرشتگان برای یاری مؤمنان را صبر و تقوای آنان دانسته و فرموده است: «بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يُمِدِّكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ» (آل عمران/ ۱۲۵)؛ «آری اگر صبر کنید و پرهیزکاری نمایید و با همین جوش [و خروش] بر شما بتازند همانگاه پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشاندار یاری خواهد کرد.»

۶. هدف غایی سازمان الهی برقراری عدالت مطلقه‌ی جهانی به رهبری خلیفه‌ی خداوند است و این مهم زمانی تحقق می‌یابد که مسند امور جامعه و حاکمیت سیاسی و اهرم‌های اقتصادی و فرهنگی، همگی در دستان با کفایت خلیفه‌ی منصوب خداوند باشد. خلیفه‌ی خداوند همانند کعبه است که در جای خود ثابت است و حرکت نمی‌کند، لذا به سوی کسی نمی‌آید، بلکه باید به سویش بیایند.^۱ این حرکت مرکزگرا، تکاملی و تدریجی است. هر انسانی می‌تواند در این مسیر قرار گیرد و در این چرخه به رشد و تکامل خود بپردازد. حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در مورد تقابل جبهه حق و باطل در آخرالزمان چنین می‌فرماید:

> این نبرد حق و باطل در آخر الزمان است که در یک طرف آن خداوند و حزب او و در طرف دیگر آن شیطان و حزب او قرار دارند و هر یک برای دست یافتن به مدیریت جهان تلاش می‌کند،

۱. اشاره به روایتی از رسول اکرم با مضمون «مَثَلُ الْإِمَامِ مَثَلُ الْكَعْبَةِ إِذْ تَوْتَى وَ لَا تَأْتِي» (کفایة الأثر، ص ۱۹۹)

ولی روشن است که در نهایت، خداوند و حزب او بر شیطان و حزب او پیروز خواهند شد؛ چراکه بنای شیطان و حزب او، بر ظلم و سحر است و ظلم و سحر، زیربنای استواری نیست؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾ (شعراء / ۲۲۷)؛ «و کسانی که ظلم کردند خواهند دانست که به کدامین بازگشت‌گاه باز می‌گردند» و فرموده است: ﴿إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ سَاحِرٌ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى﴾ (طه / ۶۹)؛ «چیزی که آنان بر ساختند تنها نیرنگ جادوگر است و جادوگر هر کاری که بکند پیروز نخواهد شد»! در حالی که بنای خداوند و حزب او بر عدالت و تقوا است و عدالت و تقوا استوارترین زیربناست؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى﴾ (مائده / ۸)؛ «عدالت ورزید که آن به تقوا نزدیک‌تر است» و فرموده است: ﴿إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ﴾ (هود / ۴۹)؛ «هرآینه عاقبت برای اهل تقواست»! < (بازگشت به اسلام، ص ۱۶۹ و ۱۷۰)

حاصل آنکه جنگ بین نور و ظلمت و حق و باطل از اول آفرینش تا کنون وجود داشته و همواره دو سازمان در مقابل هم قرار گرفته‌اند. سازمان حق به مرکزیت خلیفه خداوند و سازمان باطل که ابلیس لعین در رأس آن قرار دارد. هم اکنون آخرین خلیفه خداوند یعنی حضرت امام مهدی (ع) در مرکز سازمان الهی و ابلیس لعین که بزرگترین دشمن انسان‌هاست در رأس سازمان شیطانی برای رویارویی نهایی در مقابل هم صف کشیده‌اند. در سازمان شیطانی همه طواغیت و شیاطین و کافران و ظالمان و فاسقان و ... و در سازمان الهی همه مومنان و صالحان و شهداء و ... قرار گرفته‌اند.

امروز نهضت بازگشت به اسلام به رهبری عالم مجاهد جناب علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی و یاران و شاگردان ایشان که در حال تبیین اسلام خالص و کامل بر مبنای یقینیات و مسلمات اسلامی و زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام هستند نمونه‌ی کامل و مصداق بارز سازمان الهی هستند و از این رو، پیوستن به آنان بر هر مسلمانی واجب است؛ چنانکه حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی می‌فرماید:

«به هر حال، تردیدی نیست که هر کسی در این جهان، باید موضع خود را معلوم نماید و همراهی با یکی از دو جبهه را برگزیند؛ جبهه‌ی خداوند و جبهه‌ی شیطان و من نخستین کسی هستم که موضع خود را معلوم می‌کنم. بنابراین، همه‌ی کسانی که در جبهه‌ی خداوند هستند، از منند و من از آنان هستم، اگرچه من را شناسند و من آنان را شناسم و نشانه‌ی آنان این است که برای تحقق حاکمیت خداوند بر جهان به اذن او تلاش می‌کنند و همه‌ی کسانی که در جبهه‌ی خداوند نیستند، با من بیگانه‌اند و من با آنان بیگانه‌ام، اگرچه من را شناسند و من آنان را شناسم و نشانه‌ی آنان این است که برای تحقق حاکمیت دیگران بر جهان تلاش می‌کنند. این راه من است که در آن زندگی می‌کنم و در آن می‌میرم ان شاء الله و اگر توفیق یابم، از جانب

خداوند است و اگر شکست خورم، از جانب خودم است و عاقبت، برای پرهیزکاران است.»
(بازگشت به اسلام، ص ۱۷۰)

منابع و مراجع:

- ✓ قرآن کریم
- ✓ کتاب شریف بازگشت به اسلام، حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی
- ✓ پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی
- ✓ المفردات فی غریب القرآن، راغب اصفهانی
- ✓ مسند، احمد بن حنبل
- ✓ اصول کافی، شیخ کلینی
- ✓ تفسیر کبیر یا مفاتیح الغیب، فخر رازی
- ✓ مَجْمَعُ الْبَيَانِ فی تفسیر القرآن، شیخ طبرسی
- ✓ قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، دارالکتب الاسلامیه
- ✓ فرهنگ فارسی عمید
- ✓ المنجد، لویس معلوف

دیدگاه‌های دیگر از این نویسنده:

۱. مقاله‌ی «تفکر سیستمی در مکتب علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی»
۲. مقاله‌ی «نهضت بازگشت به اسلام و جهانی سازی»



پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید. لینک مطلب فوق صفحه همسوک پایگاه صفحه کوکل پاشی پایگاه صفحه کتاب نکران پایگاه